

رابرت وانوی ، تاریخ عهد عتیق، درس ششم

پیدایش ۱ «ایام» [یوم] - نظریه‌های تفسیر

مرور: یوم [روز]

الف. کاربرد ۱. کاربرد در عهد عتیق به طور کلی ۲. کاربرد در پیدایش ۱ چارچوب

ما داشتیم در مورد معنی کلمه عبری «یوم» - روز - بحث می‌کردیم. که در بالای صفحه دوم طرح درس کلاس شما آمده است، و ما هنوز (الف) (زیر سرفصل‌های کاربرد این کلمه بودیم). الف (من) بحث را به دو زیر عنوان تقسیم کردم: کاربرد در عهد عتیق به طور کلی و سپس کاربرد در چارچوب پیدایش ۱. ما کاربرد در عهد عتیق را به طور کلی مورد بحث قرار داده بودیم و تا جایی که به یاد دارم در حال بحث در مورد کاربرد در چارچوب پیدایش ۱ بودیم. فقط برای اینکه سریعاً خودمان را تغییر جهت دهیم، همانطور که قبلاً اشاره کردم، نظر من این است که تعدادی از موارد در پیدایش ۱ وجود دارد که به درک یوم - به عنوان یک دوره زمانی فعالیت خلاقانه به جای یک روز خورشیدی - اشاره دارد. در میان آن مواردی که اشاره کردم، این کلمه در جای دیگری استفاده شده است و آن نوع معنا و کاربرد در جای دیگر، چنین دیدگاهی را در پیدایش ۱ مجاز می‌کند.

دوم اینکه، تا روز چهارم نیست که از چراغ‌ها برای اندازه‌گیری زمان استفاده می‌شود. بنابراین تا روز چهارم نیست که روزهای خورشیدی خواهیم داشت. ما قبل از آن، در بحث خود، در مورد منبع نور بحث کردیم.

سوم، اگر «روز» را در ساختار پیدایش ۱ به عنوان یک عنوان مجازی در نظر بگیرید و نه برای یک دوره زمانی - و نه یک روز خورشیدی - مناسب است که عبارت «عصر و صبح» را به عنوان عبارتی برای آغاز و پایان آن دوره زمانی درک کنید. ما کمی در مورد این موضوع بحث کردیم.

سپس، چهارم، فکر می‌کنم اینجا جایی است که ما متوقف شدیم، متوجه تعدادی از چیزهایی شدیم که در روز ششم اتفاق افتاد. روز ششم خلقت حیوانات، خلقت انسان، قرار دادن او در باغ، وظیفه شخم زدن باغ به او داده شد، حیوانات را نزد انسان آوردند، او باید همه حیوانات را نامگذاری می‌کرد - ما این را با ترکیب اطلاعات فصل ۲ با فصل ۱ به دست می‌آوریم. او باید همه حیوانات را نامگذاری می‌کرد و در این فرآیند هیچ کدام را که با خودش مطابقت داشته باشد پیدا نکرد، او از تفاوت بین خود و حیوانات خلقت آگاه شد. سپس خداوند متعال آدم را به خواب عمیقی فرو برد و دنده را از آدم گرفت و زن را آفرید، و سپس آن فریاد را سر داد: "اکنون، سرانجام، استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم..." و غیره. حال سوال این است که آیا همه اینها در دوره نوری یک روز خورشیدی ۲۴ ساعته اتفاق افتاد؟ به نظر من، تمام آنچه در آنجا اتفاق افتاد، نشان می‌دهد که ما در یک دوره زمانی طولانی‌تر از یک روز خورشیدی هستیم. فکر می‌کنم اینجا جایی است که ما متوقف شدیم. در پیدایش ۲:۲۳، بگذارید ببینیم که

چگونه است»: مرد گفت، این اکنون است «فکر می‌کنم درست در پایان ساعت اشاره کردم NIV کلمه در آنجا می‌گوید»: این سرانجام «- سرانجام . RSV. که بهتر است «اکنون به درازا «ترجمه شود «استخوانی از استخوان‌هایم، گوشتی از گوشتم، او زن نامیده خواهد شد»

من فقط می‌خواهم یک نکته دیگر را در این بحث در مورد طول روز هفتم، دوره طولانی است. ۱. استفاده از **یوم** یا «روز» در پیدایش فصل ۱ بیان کنم. روز هفتم، که در آن خدا از فعالیت خلاقانه خود استراحت کرد، روزی است که برای مدت طولانی ادامه داشته است (حداقل این روشی است که من آن را می‌بینم) (و به نظر من، این روز با شش روز دیگر به عنوان دوره‌های طولانی زمانی موازی است. به عبارت دیگر، به نظر من وقتی در مورد روز هفتم گفته می‌شود که خدا استراحت کرد، او از فعالیت خلاقانه خود دست کشید و به این معنا که استراحت از آن زمان تا به امروز ادامه داشته است. بنابراین، این نیز به معنای یک دوره طولانی زمانی است. این واقعیت که دوره استراحت ادامه دارد با این فرض که او فقط برای یک روز خورشیدی ۲۴ ساعته دست از کار کشیده، جور در نمی‌آید. او از فعالیت خلاقانه‌اش دست کشیده و استراحت کرده است. او همچنان به انجام این کار در رابطه با فعالیت خلاقانه‌اش ادامه می‌دهد.

بنابراین نتیجه‌ای که من از متن پیدایش ۱ می‌گیرم این است که عواملی در پیدایش ۱ وجود دارد که نشان می‌دهد کلمه «روز» یا **یوم** باید به عنوان یک دوره زمانی از فعالیت خلاقانه خدا درک شود که طول آن نامشخص است. فکر نمی‌کنم از این فصل بتوان فهمید که آن دوره‌ها چقدر طولانی یا چقدر کوتاه بوده‌اند. فکر نمی‌کنم چنین اطلاعاتی داده شده باشد، اما نشان می‌دهد که این یک دوره با طول نامشخص است.

فکر می‌کنم متن عبری این متن به آن مربوط است و بدون شک این نیز به نتیجه‌گیری من در آنجا مربوط است. اما شما در فصل ۲ آیه ۲ می‌خوانید: «در روز هفتم، خدا کار خود را به پایان رساند». بنابراین در روز هفتم از تمام کارهای استراحت کرد». و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد، زیرا در آن از تمام کارهای آفرینش که انجام داده بود، استراحت کرد «بنابراین به ما گفته شده است که او در روز هفتم از تمام کارهای آفرینش که انجام داده بود، استراحت کرد. می‌توانید در مورد آن متن و معنای آن تأمل کنید. آیا این بدان معناست که در یک دوره هفت روز خورشیدی ۲۴ ساعته متوالی، جایی در آغاز، خدا از کار آفرینش استراحت کرد؟ آیا فقط برای ۲۴ ساعت بود، سپس آن را از سر گرفت؟ به نظر من منظور این است که پس از شش روز فعالیت آفرینش، او آفرینش را متوقف کرد و استراحت کرد. البته، می‌توانید از این طریق به انواع مفاهیم الهیاتی برسید. می‌توانید به سوال خلقت‌گرایی در مقابل ترادونیسیم در رابطه با روح انسان‌ها بپردازید. چگونه است که زندگی از نسلی به نسل دیگر

منتقل می‌شود؟ آیا یک عمل خلاقانه خاص در آن دخیل است یا چیزی است که از والدین به ارث می‌رسد؟ بسیاری از این سؤالات پیچیده هستند و ما به راحتی در بسیاری از الهیات سکولار به آنها دست می‌یابیم. نمی‌دانم. من به این نکته آخر اشاره نمی‌کنم.

نقطه مقابل آن است و به زودی به آن استدلال برای روز خورشیدی بر اساس خروج 20 قیاس خواهیم پرداخت. کسانی که برای یک روز خورشیدی 24 ساعته استدلال می‌کنند، از قیاس روز هفتم نیز برای پشتیبانی از استدلال خود با توسل به فصل 20 خروج و قیاس شش روز کار می‌کنند، یک روز استراحت می‌کنند - که بدیهی است روزهای خورشیدی است. ما شش روز کار می‌کنیم، یک روز استراحت می‌کنیم، و اگر خدا این کار را کرده است، ما باید از او در این امر تقلید کنیم و بنابراین او باید برای یک روز خورشیدی استراحت می‌کرده است. حال، پاسخ من به این خواهد بود که قیاس در توالی 6+ است، نه لزوماً در چارچوب روز خورشیدی 1+.

نظرات متفاوت مجاز است

(سوال دانش‌آموز پرسیده شد. (مسلماً، فکر می‌کنم این شاخصی است که به طور کلی از این ایده پشتیبانی می‌کند که کلمه **یوم** در پیدایش 1 به معنای یک روز خورشیدی 24 ساعته نیست. فکر نمی‌کنم بتوانید آن را ثابت کنید. فکر می‌کنم ما در کل این بحث در حوزه‌ای هستیم که باید اختلاف نظرها و نتیجه‌گیری‌ها را در نظر گرفت. فکر نمی‌کنم هیچ یک از طرفین بتوانند بگویند: باید اینطور باشد، محدودیت متن این است که شما باید به این نتیجه برسید. فقط با ارائه دلایلی که مرا به نتیجه‌ای که داشته‌ام رسانده است.

بیایید به ب. برویم، بحث ما تمام نشده است. ب. انواع اصلی دیدگاه‌ها در مورد روزهای پیدایش 1 ب. عبارت است از: «انواع اصلی دیدگاه‌ها در مورد روزهای پیدایش 1. «حال اگر به طرح کلی خود نگاهی بیندازید، می‌خواهم اکنون به این موضوع اشاره کنم تا در بحث گم نشویم. دو نکته فرعی در زیر آن وجود دارد. 1. «روزهای واقعی» و «2» (روزهای غیرواقعی» است. حالا این اصطلاحات ممکن است گیج‌کننده باشد. من وقتی در مورد «روزهای واقعی» و «روزهای غیرواقعی» صحبت می‌کنم، در مورد روزهای خورشیدی در مقابل دوره زمانی صحبت نمی‌کنم. اگر دوباره به برگه طرح کلی خود نگاهی بیندازید، خواهید دید که در زیر «روزهای واقعی»، نمای روز خورشیدی 24 ساعته و نمای دوره زمانی با طول نامشخص وجود دارد. هر دو روز واقعی هستند. برخلاف نمای روز غیرواقعی. حالا

منظور من از نمای روز غیرواقعی را کمی بعد مورد بحث قرار خواهیم داد. ابتدا، بیایید به نمای روز واقعی با آن دو نکته فرعی نگاه کنیم. اجازه دهید این را هم قبل از بحث بیشتر بگوییم.

نباید اهمیت این بحث در مورد دوره زمانی در مقابل دیدگاهی در مورد طول «روزها» در پیدایش ۱ روز خورشیدی ۲۴ ساعته را از دست بدهیم. این به هیچ وجه مهمترین بخش اطلاعات در فصل اول پیدایش نیست. آن آموزه کلی که قبلاً در مورد خدا، انسان و جهان به آن پرداختیم. فکر می‌کنم این چیزی است که در پیدایش ۱ و ۲ مهم است. اینکه روز به معنای مدت زمان نامشخص طولانی بوده یا کوتاه، واقعاً مسئله‌ی بزرگی نیست. از این نکته غافل نشوید، وگرنه درگیر بحث در مورد این موضوع خواهید شد و اهمیت آن را از نظر دور خواهید داشت. اما بیایید به این موضوع برگردیم.

واقعی روزهای واقعی، ابتدا دیدگاه روز خورشیدی ۲۴ ساعته در رویکرد برای روزهای ۳ (۱) واقع ۳ رویکرد برای این موضوع وجود دارد. اجازه دهید به طور خلاصه به آنها اشاره کنم. یکی ۷ روز ساعته متوالی است. دومی همان چیزی است که قبلاً به آن پرداختیم و در پیدایش ۱ مورد بحث قرار ۲۴ دادیم. نظریه‌ی جبران یا شکاف، که بر اساس فعل «شدن» در پیدایش ۱:۲ است که در آن زمین خالی شد و تاریکی بر روی زمین حاکم شد، تفسیر می‌کند که شش روز خلقت در واقع خلقت اولیه نیستند، بلکه یک بازسازی هستند. شما خلقت اولیه را در «در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، زمین خالی شد» داشتید. سپس شما شش روز بازسازی خواهید داشت، و تمام سوابق زمین‌شناسی، از جمله فسیل‌ها، طبق این دیدگاه، در زمان قبل از پیدایش ۱:۲ قرار می‌گیرند. اما سپس یک ترتیب‌بندی مجدد، یک بازسازی در شش روز این فصل خواهید داشت. اما بسیاری از کسانی که این نظریه را دارند، به درک شش روز ۲۴ ساعته از روزهای پیدایش ۱ پایبند هستند. رویکرد سوم چیزی است که نظریه بین دوره‌ای نامیده می‌شود. این ایده وجود دارد که دوره‌های زمانی طولانی بین روزهای پیدایش ۱ وجود داشته است. بنابراین این امر امکان قرار دادن سوابق زمین‌شناسی را در چارچوب فصل ۱ پیدایش فراهم می‌کند. اما روزهایی که از آنها صحبت می‌شود، روزهای خورشیدی ۲۴ ساعته هستند که با دوره‌های زمانی طولانی در هم آمیخته شده‌اند.

پیدایش ۱ و پیدایش این دیدگاه سوم - دیدگاه بین دوره‌ای - دکتر نیومن به گونه‌ای متفاوت از، مثلاً زمین، معتقد است. من فکر می‌کنم همینطور است. این کتاب بسیار مفیدی است، می‌توانید در مقطعی به آن نگاهی بیندازید. فکر می‌کنم این در کتابشناسی شما باشد. شاید نه زیر این نقطه، بلکه در صفحه ششم، کنار آخرین مدخل در صفحه، مدخلی وجود دارد که باید به آن اشاره می‌کردم که نکردم. آر. جی. اسنو، روز ششم چقدر طول می‌کشد «پیوست ۳ در کتاب اسلمنز، **پیدایش ۱** پیدایش زمین، انتشارات»

اینتروارسیتی، ۱۹۷۷. آن مقاله آر. جی. اسنو مقاله‌ای جالب و مفید در مورد آن روز ششم است که چند دقیقه پیش به آن اشاره کردیم. این کتاب دکتر نیومن است. او پیشنهاد می‌کند که روزها هر کدام ۲۴ ساعت هستند و هر کدام یک دوره خلاقانه جدید از یک روز ۲۴ ساعته را آغاز می‌کنند. به طوری که او روز را به عنوان یک دوره زمانی طولانی نمی‌بیند، بلکه به عنوان معرفی یک دوره طولانی از فعالیت خلاقانه در نظر می‌گیرد. نوعی نظریه بین دوره‌ای، اما که به یک روز ۲۴ ساعته پایبند باشد.

موضع

فکر می‌کنم تفاوت من با این نظر این باشد که من خودم هیچ ضرورتی نمی‌بینم که نتیجه بگیرم و انوی که باید روزهای ۲۴ ساعته در ساختار روزهای این فصل وجود داشته باشد، و به ویژه به دلیل آن روز ۴ که خورشید و ماه تا روز چهارم در موقعیتی برای اندازه‌گیری روزها قرار نگرفته بودند. پس روز ۱، - و ۳ چه بودند؟ بدیهی است که از نظر من یک روز خورشیدی نیستند. از نظر من، اصل مطلب همین ۲ است. اما همانطور که قبلاً گفتم، فکر نمی‌کنم این چیزی باشد که باید آنقدر درگیر آن شویم و درگیر بحث شویم که آن را بیش از حد اهمیت دهیم. فکر می‌کنم متن به دلیل عدم صراحت، آزادی خاصی را در نتیجه‌گیری فراهم می‌کند.

بسیار خوب، دیدگاه روز ۲۴ ساعته چیزی است که ما در ب. موقعیت روز خورشیدی ۲۴ ساعته مورد آن بحث می‌کنیم. من سه مفهوم جایگزین ممکن از نحوه عملکرد آن روز ۲۴ ساعته در متن فصل ۱ پیدایش ارائه دادم. به نظر من استدلال‌هایی که به نفع دیدگاه روز خورشیدی ۲۴ ساعته هستند، به شرح زیر است. اول، در معنای اصلی خود، کلمه **یوم** یا **روز** به معنای یک روز خورشیدی است. معمولاً ما آن را اینگونه درک می‌کنیم، و مطمئناً اگر فقط به یک فصل برسید و آن را بخوانید، احتمالاً درک اولیه شما نیز همین است. نظریه شکاف، شماره ۲ خواهد بود که در آن دارید: «در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، زمین بی‌شکل و تهی شد.» شما یک خلقت اولیه و سپس یک تغییر فاجعه‌بار دارید. شش روزی که پس از آن می‌آیند، شش روز ۲۴ ساعته متوالی هستند که در آن وضعیت آشفته بازسازی می‌شود. زمان زمین‌شناسی در شکاف بین پیدایش ۱:۱ و ۱:۲ قرار می‌گیرد.

در دیدگاه سوم، زمان زمین‌شناسی در ساختار شش روز قرار دارد، اما به جای اینکه به قبل از شش روز عقب رانده شود، بین این شش روز پراکنده شده است - تفاوت در همین است.

اولین نکته این بود که معنای اصلی **یوم**، روز خورشیدی است. ثانیاً، عبارت عصر و صبح این نتیجه‌گیری را تقویت می‌کند. من فکر می‌کنم این واضح‌ترین برداشت اولیه است - عصر و صبح از یک روز خورشیدی صحبت می‌کند. برداشتی که من برای آن استدلال می‌کردم مستلزم درک مجازی از آن

است، و فکر نمی‌کنم این ایرادی باشد که دیدگاه عصر روز را رد کند، اما مستلزم آن است - استفاده از عصر و صبح.

و سپس خروج ۲۰: ۹-۱۱ چیزی است که چند دقیقه پیش به آن اشاره کردم. در خروج ۲۰: ۹- شش روز کار خواهیم کرد و روز هفتم استراحت خواهیم کرد، زیرا در شش روز خدا آسمان‌ها و ۱۱ زمین را آفرید و روز هفتم استراحت کرد. استدلال در قیاس با خروج ۲۰: ۹-۱۱ این است که روز باید به همان معنایی که هر دو متن - پیدایش ۱ و خروج ۲۰ - در نظر گرفته شده‌اند، در نظر گرفته شود. بنابراین، اینها استدلال‌هایی به نفع یک روز خورشیدی ۲۴ ساعته هستند.

ج. نظریه عصر روز

ب. در برگه شما، زیر بخش «روز‌های واقعی»، مفهوم «یوم» به عنوان یک دوره زمانی با طول نامشخص آمده است. این اغلب به عنوان دیدگاه «روز-عصر» شناخته می‌شود. ما قبلاً در مورد آن بحث کرده‌ایم، من استدلال‌هایی به نفع آن ارائه داده‌ام، بنابراین در این مرحله به آن باز نمی‌گردیم. اما توجه داشته باشید که این یک «روز واقعی» است، اگرچه یک دوره با طول نامشخص است، اما همچنان یک دوره زمانی واقعی است. این یک دوره زمانی است که در آن خدا کارهای خاصی انجام داده است. و در فصل مربوط به کار خلاقانه خدا، یک توالی وجود دارد. اکنون با دیدگاه «روز-عصر» اغلب مخالفت‌هایی مطرح شده است، آیا این دیدگاهی نیست که در تلاش برای هماهنگ کردن علم و کتاب مقدس اتخاذ شده است؟ آیا دلیل آن همین نیست؟ آیا این دیدگاه فقط چیزی نیست که برای هماهنگ کردن تکامل و کتاب مقدس ایجاد یا اتخاذ شده است؟ من انکار نمی‌کنم که مبنای بسیار محکمی برای رسیدن به این نتیجه وجود دارد.

نظرات در مورد رابطه علم و کتاب مقدس

بگذارید در این زمینه کلی دو نکته را مطرح کنم. اول، فکر می‌کنم باید از خصومت با علم و تمایل به نادیده گرفتن و کم‌اهمیت جلوه دادن این کشف اجتناب کنیم. معتقد به کتاب مقدس نباید یک تاریک‌اندیش باشد. کاری که معتقد به کتاب مقدس باید انجام دهد این است که بین حقایق علمی اثبات‌شده از یک سو و نظریه‌های علمی مختلفی که واقعاً بی‌اساس یا از نظر فلسفی جانبدارانه هستند، تمایز قائل شود. شما باید تمایز قائل شوید. چیزهای زیادی وجود دارد که برچسب علمی دارند اما در واقع علمی نیستند. اما ما نباید سر خود را در برف فرو کنیم و یافته‌های تحقیقات علمی را نادیده بگیریم یا با آنها مخالف باشیم. دانشمندان از طریق تحقیقات علمی چیزهای زیادی در مورد ماهیت واقعیت کشف کرده‌اند.

بسیاری از چیزهایی که دانشمندان کشف کرده‌اند کاملاً جایز الخطا هستند. ما باید بتوانیم بین آنچه معتبر است و آنچه معتبر نیست، تمایز قائل شویم. این یک چیز است. ما باید از خصومت با علم اجتناب کنیم و از آن به طور تبعیض‌آمیز استفاده کنیم.

اما دوم اینکه، ما نباید سعی کنیم با تحریف یا اجبار برخی از عبارات کتاب مقدس برای تطبیق با برخی نظریه‌ها، بین نظریه‌های علمی و کتاب مقدس توافق ایجاد کنیم. مراقب این موضوع باشید. من فکر می‌کنم همیشه باید در برابر این موضوع هوشیار باشیم. اما با این اوصاف، فکر می‌کنم در عین حال می‌توانیم بگوییم که گاهی اوقات اکتشافات علمی ممکن است باعث شود متون خاصی از کتاب مقدس را دوباره بررسی کنیم تا دقیقاً ببینیم چه می‌گویند. اغلب متوجه خواهید شد که متن ممکن است به آن اندازه که در ابتدا فکر می‌کردید دقیق نباشد. و این تحقیقات و نتیجه‌گیری‌های علمی است که به محرک یا انگیزه‌ای برای نگاه دوباره به متن و شاید با دقت بیشتری نسبت به آنچه در ابتدا به آن نگاه می‌کردید، تبدیل می‌شود و اینکه ببینید خود متن در چه پارامترهایی به شما اجازه حرکت می‌دهد. من فکر می‌کنم این مهم است. مطمئنم که اکثر شما با کتاب *پیدایش در فضا و زمان اثر فرانسیس شفر آشنا هستید*. در صفحه ۵۷ آن جلد، او در مورد روزهای پیدایش ۱ بحث می‌کند و من بخش زیادی از بحث او را نخواهم خواند، اما در پایان آن می‌گوید: «بنابراین باید مدت زمان دقیقی را که با «روز» در پیدایش مشخص شده است، باز بگذاریم.» به عبارت دیگر، او به شدت به یک طرف یا طرف دیگر نمی‌پردازد. دیدگاه روز خورشیدی یا دوره زمانی. سپس می‌گوید: «از مطالعه کلمه به زبان عبری مشخص نیست که باید به کدام طرف گرفته شود. می‌تواند هر دو طرف باشد. با توجه به کلمه، همانطور که در کتاب مقدس استفاده شده است، و عدم قطعیت علم در مورد مسئله تاریخ‌گذاری، به یک معنا بحثی وجود ندارد، زیرا هیچ اصطلاح مشخصی برای بحث وجود ندارد.» من فکر می‌کنم مطالب علمی در مورد شفر باعث شده است که او دوباره به متن نگاه کند، و سپس می‌بینید که متن به او اجازه می‌دهد تا مطابق با داده‌های علمی، بدون تحریف یا تغییر متن، به جایی که ممکن است شما را هدایت کند، حرکت کند. بنابراین فکر می‌کنم این موارد مهم هستند. از دشمنی با علم پرهیزید، سعی نکنید گفته‌های کتاب مقدس را به زور با نظریه‌ها تطبیق دهید، اما از سوی دیگر، بگذارید اکتشافات علمی که به نظر می‌رسد پایه و اساس محکمی دارند و ممکن است انگیزه‌ای برای بررسی مجدد متن و دیدن دقیق آنچه می‌گویند، باشند.

شماره ۲. در زیر انواع روزها، سال‌ها یا روزهای پیدایش ۱، روزهای روزهای غیرواقعی ۲. غیرواقعی قرار دارند. روز غیرواقعی چیست؟ فکر می‌کنم به عنوان مثال خواهیم دید. به طور کلی، این دیدگاهی خواهد بود که هیچ ارتباط تاریخی واقعی بین روزهای پیدایش ۱ و توالی یا فرآیند فعالیت خلاقانه

خدا نمی‌بیند. اکنون انواع مختلفی از دیدگاه‌های روزهای غیرواقعی وجود دارد.

اولین مورد که کوچک خواهد بود (الف) دیدگاهی از اوريجن الف. روزها با ترتیب نمادین یا منطقی است. اوريجن یک پدر کلیسا از اسکندریه، ۱۸۵-۲۵۳ میلادی بود. او روزهای پیدایش ۱ را نمادی از ترتیب فعالیت خلاقانه خدا می‌دانست. او می‌گوید که خلقت در یک لحظه اتفاق افتاد و شش روز صرفاً نشان‌دهنده‌ی یک نظم منطقی هستند. اوريجن می‌گوید: «هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند بپذیرد که در واقع یک روز اول، دوم و سوم و همچنین یک شب و صبح بدون خورشید، ماه و ستاره وجود داشته است.» برگردیم به آن مسئله‌ی روز چهارم، و او نکته‌ای دارد. خلقت در یک لحظه اتفاق افتاد و شش روز صرفاً نشان‌دهنده‌ی یک نظم منطقی هستند. اگر به صفحه ۷ که من همین الان از کتابشناسی شما ارائه دادم نگاه کنید، مدخل سوم، مبدا، در اصول اولیه، هارپر و رو ۱۹۶۶، صفحه ۲۸۸، جایی است که او این جمله را بیان می‌کند. بنابراین این یکی از انواع دیدگاه روز غیرواقعی است که به قرون اولیه کلیسا برمی‌گردد.

آگوستین نیز دیدگاهی غیرواقعی از روز دارد. فکر می‌کنم «ب. دیدگاه تمثیلی آگوستین از «روز شما آن را نوعی دیدگاه تمثیلی می‌نامید. درک دقیق منظور او از برخی از اظهاراتش در مورد روزهای پیدایش ۱ آسان نیست. اما در کتاب «الهیات سیستماتیک» اثر الیور باسول، جلد ۱، این مطلب در بالای صفحه ۷، اولین مدخل، صفحات ۱۴۲ تا ۱۴۴، قرار دارد. او در مورد روزهای آفرینش، در مورد آگوستین بحث می‌کند و در کتاب «شهر خدا» اثر آگوستین، کتاب ۱۱، بخش‌های ۶ و ۷، می‌گوید: تصور اینکه این روزها چه نوع روزهایی هستند، برای ما بسیار دشوار یا شاید غیرممکن است و چقدر «بیشتر می‌توان گفت «این نقل قولی از آگوستین است. او در ادامه می‌گوید: «صبح زمانی بازمی‌گردد که مخلوق به ستایش و عشق خالق بازگردد، وقتی این کار را در شناخت خود انجام می‌دهد، آن روز اول است. وقتی در شناخت فلک - این نامی است که به آسمان بین آب‌های بالا و زمین پایین داده شده است - آن روز دوم است. و وقتی در شناخت زمین و دریا و همه چیزهایی که از زمین می‌رویند، آن روز سوم است. و وقتی در شناخت ستارگان بزرگتر و کوچکتر و همه ستارگان باشد، آن روز چهارم است.» و غیره. بوسول اظهار می‌کند: «به نظر می‌رسد آگوستین کلمه «روز» را در این متن کتاب مقدس برای اشاره به تجربیات معنوی مخلوق در بازگشت به ستایش و عشق به خالق گرفته است. با توجه به جنبه‌های مختلف خلقت «او اظهار می‌کند: «ما نمی‌توانیم آگوستین را با معیارها و قواعد هرمنوتیک دستوری یا تاریخی خود قضاوت کنیم، او در تفسیر خود به طور تمثیلی مشهور بود، فقط می‌توانیم توجه داشته باشیم که این پدر بزرگ کلیسا در قرن پنجم، احتمالاً عمیق‌ترین متکلم از زمان پولس رسول، که بدون شک به کتاب مقدس وفادار بود، روزهای خلقت پیدایش را به شیوه‌ای تفسیر کرد که برای ما نسبتاً خیالی به نظر

می‌رسد» به نظر می‌رسد که این یک نوع نگاه تمثیلی به روزها است. آنها روزهای غیر واقعی در رابطه با هر توالی تاریخی در فعالیت خلاقانه خدا هستند، نکته همین است. این بیشتر به تجربه معنوی مؤمن در پاسخ به کار خلاقانه خدا مربوط می‌شود.

دسته سوم تحت روز غیر واقعی، دیدگاه روز وحی خواهد بود. این ج. دیدگاه روز ج. روز وحی مکاشفه. در کتابشناسی شما در وسط صفحه ۷، نوشته دی‌جی وایزن، *سرنخ‌هایی از خلقت در پیدایش* بخش ۲، خلقت آشکار شده در شش روز را می‌بینید. دی‌جی وایزن استدلال کرد که خداوند خلقت را در شش روز به موسی وحی کرد. بنابراین روزهای پیدایش ۱، روزهای خورشیدی یا روزهای سنی نیستند که نشان دهنده زمان خلقت باشند، بلکه روزهای خورشیدی هستند که نشان دهنده زمان وحی هستند. خلقت در شش روز آشکار شد. من یافتن چنین چیزی را در پیدایش فصل ۱ بسیار دشوار می‌دانم. به نظر می‌رسد آنچه در مورد آن صحبت می‌شود، وحی خدا به موسی از آنچه او در شش روز فعالیت و حیانی انجام داده بود، نیست، بلکه آنچه او واقعاً از نظر فعالیت خلاقانه انجام داده است. اما این دیدگاه مطمئناً یک دیدگاه غیرواقعی در مورد روزهای خلقت است.

حالا ببینید پشت این موضوع چیست، این موضوع نسبتاً جدید است - ۱۹۷۷ - دوباره فکر می‌کنم، آیا این هماهنگی علم و کتاب مقدس است؟ اگر توالی خاصی در فعالیت خلاقانه خداوند دارید، چگونه آن را با آنچه دانشمندان در مورد توالی به ما می‌گویند و آنچه می‌توانیم در رابطه با خلق اشکال مختلف حیات پیدا کنیم، مطابقت می‌دهید؟ اگر توالی را از فصل ۱ پیدایش حذف کنید، دیگر مشکلی نخواهید داشت.

دیدگاه بعدی که به آن اشاره خواهم کرد، که فرضیه چارچوب: روز «به عنوان یک ابزار ادبی ۴. یک دیدگاه روز غیرواقعی است، دیدگاهی است که به نظر من در بین انجیلی‌های معاصر که به نوعی دیدگاه روز غیرواقعی دارند، محبوب‌ترین است. من آن را فرضیه چارچوب یا دیدگاه‌های تقارن دوگانه می‌نامم. احتمالاً تأثیرگذارترین مدافع این موضوع در نوشته‌های انگلیسی، ان اچ ریدرپوس است، که چهارمین نوشته شما در صفحه ۷ است. در کتاب کوچک او، «آیا بین پیدایش ۱ و علوم طبیعی تضادی وجود دارد»، اردمنز، ۱۹۵۷. این ترجمه‌ای از یک کتاب هلندی است. او بعداً در سال ۱۹۶۳ جلد گسترده‌تری در مورد همین موضوع نوشت که من آن را به زبان هلندی در آنجا فهرست کرده‌ام، اما هرگز به انگلیسی ترجمه نشده است. از نظر ریدرپوس، ۷ روز پیدایش ۱ یک چارچوب ادبی است که روایت خلقت در آن قرار می‌گیرد، بنابراین فرضیه چارچوب. این یک چارچوب ادبی است که روایت خلقت در آن قرار می‌گیرد. از نظر او، روزها یک ابزار ادبی هستند و نباید به عنوان دارای اهمیت

زمانی در نظر گرفته شوند. این فقط یک ابزار ادبی خالص و ساده است - هیچ اهمیت زمانی وجود ندارد. آنها روزهای غیرواقعی هستند، روزهایی نیستند که واقعاً اتفاق افتاده باشند. این یک چارچوب ادبی برای روایت داستان خلقت است. ریدربوس می‌گوید: «شش روز پیدایش ۱ آشکارا به عنوان مجموع دو سه‌گانه یعنی دو مجموعه سه‌تایی - در نظر گرفته شده است که در نتیجه، یک توازی کاملاً آشکار را آشکار می‌کند، در حالی که ترتیب کلی آن به گونه‌ای است که شکوه والای انسانی را که در سبب به سرنوشت واقعی خود دست می‌یابد، به طور برجسته نشان دهد. با توجه به این طرح از روایت خلقت، می‌توانیم استنباط کنیم که نویسنده آگاهانه از روزها و شب‌ها، عصرها و صبح‌ها به عنوان یک چارچوب ادبی استفاده کرده است. ترتیب خاص متعلق به روش کار نویسنده است، نه اعمال خلاقانه خدا.» این ترتیب متعلق به نویسنده است، نه به اثر - نه اعمال خلاقانه خدا. اگرچه ممکن است نمادی از این ایده باشد که خلقت به خوبی منظم است.

حالا می‌بینید که او چه کرد. او بین سه روز اول و سه روز دوم توازی توازی روزهای ۱-۳ و ۴-۶ ایجاد کرد. روز ۱ نور دارید، در حالی که در روز ۴ حاملان نور - خورشید، ماه و ستارگان - را دارید. روز دوم، آسمان و تقسیم آب‌های بالا و پایین را دارید، در حالی که در روز پنجم ماهی‌ها و پرندگان را دارید. این توازی چیزی است که مورد بحث قرار گرفته است، اما شاید بتوانید آن را در آنجا ببینید، یا شاید با آن مشکلی پیدا کنید. اما روز سوم، خشکی را دارید که از دریا جدا شده و گیاهان در آن وجود دارند، و سپس ساکنان زمین - حیوانات و انسان - مطابق با روز ششم را دارید. این به روز هفتم با اهمیت ویژه، سبت، منتهی می‌شود، شما در سبت استراحت می‌کنید.

حالا، بگذارید کمی آن را بسط دهم. شما ۸ عمل خلاقانه دارید - ۴ عمل در ۳ روز اول، ۴ عمل در ۳ روز دوم. که یعنی در هر روز سوم و ششم ۲ عمل دارید. این اعمال خلاقانه با عبارت «و خدا گفت» معرفی شده‌اند. اگر در این فصل به پایین بروید، عبارت «و خدا گفت» را تکرار شده می‌بینید. در آیه سوم می‌بینید «و خدا گفت روشنایی باشد». «ما یک بار در روز اول آن را داریم. سپس آیه ششم «و خدا گفت آسمانی باشد». این روز دوم است. آیه نهم «و خدا گفت» در روز سوم است، اما در آیه یازدهم می‌بینید که دو مورد در روز سوم دارید - آیه ۹ و آیه ۱۱. سپس آیه ۱۴ «و خدا گفت» را دارید. آیه ۲۰ و خدا گفت «و آیه ۲۰» و خدا گفت «است که روز پنجم است، و سپس آیه ۲۴» و خدا گفت «و ۲۶، در روز ششم دو مورد دارید. بنابراین شما در روز سوم و ششم هر کدام دو تا دارید، و در مجموع می‌شود بنابراین با این نوع ساختار شماتیک برای این فصل، نتیجه گرفته می‌شود که آنچه در اینجا دارید یک ابزار ادبی برای ساختاردهی به روایت خلقت است و اینکه این روزها در واقع روزهای فعالیت خلاقانه خدا نیستند، بلکه یک ابزار ادبی نویسنده در ارائه کارهای خلاقانه خدا هستند.

بوسول در جلد اول کتاب *الهیات سیستماتیک* خود، این دیدگاه را مورد بحث قرار می‌دهد. در صفحه ۱۴۳، آنچه او در مورد آن می‌گوید، این است: او به کتاب ریبروس اشاره می‌کند و سپس می‌گوید: «باید اعتراف کنم که تقارن ادعایی بین دو گروه سروزه، به نظر من مانند دیدن چهره‌هایی در ابرها است. بله، چهره‌ها واقعاً آنجا هستند و می‌توانند توسط دیگران که به آنها اشاره می‌شود، دیده شوند، اما سوال این است که آیا آنها عمدی بوده‌اند؟ آنچه یک نفر به عنوان چهره در ابرها می‌بیند، دیگران ممکن است به عنوان یک حیوان یا یک درخت ببینند، و همان شخص ممکن است همان شکل‌گیری ابر را در دو الگوی مختلف ببیند، بسته به اینکه تا حدودی به نحوه هدایت دید خود بستگی دارد. من به هیچ وجه متقاعد نشده‌ام که موسی، با الهام از روح القدس، قصد ایجاد هیچ گونه توازی بین روزهای ۱-۴، ۲-۵ و ۳-۶ را داشته باشد. از یک طرف، اگر قرار باشد روزها با هم مطابقت داشته باشند، به نظر من روز ۳ با روز ۵ بهتر از روز ۶ مطابقت دارد.» به عبارت دیگر، اگر قرار است یک توازی ببینید، او زمین خشک را جدا از دریا و پوشش گیاهی را بیشتر با ماهی‌ها و پرندگان می‌بیند تا با ساکنان زمین - حیوانات و انسان‌ها. و به نظر می‌رسد این توازی بین ۵ و ۳ قوی‌تر از ۶ است.

سپس او ادامه می‌دهد و می‌گوید: «نکات دیگری هم وجود دارد که من نمی‌توانم آن توازی را در آنها ببینم.» او می‌افزاید: «مطمئناً دیدن یا تصور کردن چنین توازی عمدی توسط کسی، بدعت نیست. چیزی که من به آن اعتراض دارم این استنباط است که توازی دوگانه‌ی ادعایی در شش روز خلقت، به نحوی موضوع را در ترتیب وقایع برشمرده شده یکی پس از دیگری پاک می‌کند.» به عبارت دیگر، چیزی که او به آن اعتراض دارد، خلاص شدن از شر ایده‌ی توالی است. اما اگر روزها را به عنوان یک ابزار ادبی در نظر بگیرید که هیچ ارتباطی با فعالیت خلاقانه‌ی خدا در آن شش روز ندارد، فصل توالی را در فعالیت خلاقانه‌ی خدا از بین برده‌اید. و البته این نکته‌ی ریبراس است - او می‌خواهد این کار را انجام دهد، زیرا متوجه می‌شوید که عنوان کتاب او این است: «آیا تضادی بین پیدایش ۱ و علوم طبیعی وجود دارد؟» و روشی که او از این تضاد فرضی اجتناب می‌کند، حذف هرگونه توالی از فصل ۱ پیدایش است.

حالا به این سوال برمی‌گردیم، آیا شما چیزی را که از داده‌های علمی ناشی می‌شود، به این فصل تحمیل می‌کنید که واقعاً حق مطلب را در مورد آن فصل ادا نمی‌کند؟ می‌خواهم کمی بیشتر در مورد این دیدگاه تقارن دوگانه بحث کنم. به نظر من ایرادات دیگری هم به این دیدگاه وارد است. به نظر من این دیدگاه مهم است زیرا به نظر می‌رسد انجیلی‌ها به طور فزاینده‌ای به آن چسبیده‌اند.

رونویسی توسط آستین هولت
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط ریچل اش لی
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت